



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



سخنرانی هر کل (صدر اعظم آلمان)

در دانشگاه هاروارد

۲۰۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیلگران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیلگران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیلگران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیلگران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیلگران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیلگران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک

متشکرم ... به نظرم شروع کنیم

پرزیدنت بکو، اعضای هیئت‌مدیره، اعضای هیئت‌ناظران، اعضای مجمع دانش‌آموختگان، اعضای هیئت‌علمی، والدین و دانش‌آموختگان گرامی

امروز روز شادمانی است. روز شماسست. تبریکات فراوان. بسیار خوشحالم که امروز اینجا هستم و دوست دارم برخی تجربیاتم را با شما در میان بگذارم. این مراسم پایانی بر یک فصل فشرده و احتمالاً دشوار در زندگی شماسست. حالا دری به زندگی جدید پیش روی شما گشوده می‌شود که هیجان‌آمیز و دل‌انگیز است.

هرمان هسه، نویسنده آلمانی، تعبیری زیبا برای چنین موقعیتی در زندگی دارد. می‌خواهم از او سخنی نقل کنم و سپس به زبان مادری خودم صحبت کنم.

(آغاز صحبت به زبان آلمانی)

هرمان هسه می‌نویسد: نیرویی جادویی در همه آغازها نهفته است، که در زندگی، راهنما و یاری‌گر ماست. این سخنان هرمان هسه، در ۲۴ سالگی که در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل شدم، الهام‌بخش من شد. این ماجرا مربوط به سال ۱۹۷۸ است، زمانی که جهان به شرق و غرب تقسیم شده بود. جنگ سرد در جریان بود. من در آلمان شرقی بزرگ شدم، زمانی که بخشی از وطنم را دیکتاتورها اشغال کرده بود. دولت مردم را سرکوب می‌کرد و زیر نظر داشت. مخالفان سیاسی تحت پیگرد قرار می‌گرفتند. دولت آلمان شرقی می‌ترسید که مردم به دنیای آزاد فرار کنند. به همین دلیل بود که دیوار برلین از بتون و فولاد ساخته شد. هر کس که می‌خواست از دیوار بگذرد دستگیر یا کشته می‌شد. این دیوار در قلب برلین، یک ملت را از هم جدا کرد و خانواده‌ها را از هم گسیخت. خانواده من همچنین سرنوشتی داشت.

اولین شغل من بعد از فارغ‌التحصیلی، کار به‌عنوان فیزیکی‌دان در برلین شرقی در فرهنگستان علوم بود. نزدیک دیوار برلین زندگی می‌کردم. وقتی از سرکار به خانه برمی‌گشتم، از کنار دیوار می‌گذشتم. برلین غربی، دنیای آزاد، پشت دیوار بود و هر روز، وقتی به دیوار بسیار نزدیک بودم، باید در آخرین لحظه برمی‌گشتم و به سمت آپارتمانم می‌رفتم. هر روز باید در آخرین لحظه از آزادی روی می‌گرداندم. نمی‌دانم چند بار به این نتیجه رسیدم که دیگر نمی‌توانم تحمل کنم. وحشتناک بود.

نه من مخالف نبودم.

من به دیوار ضربه نزد، اما وجودش را هم انکار نکردم چون نمی‌خواستم به خودم دروغ بگویم. دیوار برلین، فرصت‌ها را از من گرفته بود.

به معنای واقعی کلمه، سر راه من بود. اما این دیوار در تمام این سال‌ها یک کار را نمی‌توانست انجام دهد و آن اینکه نمی‌توانست افکار درونی مرا محدود کند. شخصیتم، تخیلم، آرمان‌هایم... این‌ها را با بگیروببند نمی‌توانستند محدود کنند. تا اینکه سال ۱۹۸۹ رسید.

اراده معطوف به آزادی در سراسر اروپا، نیرویی باورنکردنی داشت. صدها هزار نفر در لهستان، مجارستان، چکسلواکی و نیز در آلمان شرقی به خیابان ریختند. مردم تظاهرات کردند و دیوار را فروریختند. چیزی که خیلی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند، حتی خود من، به واقعیت پیوست. در آنجا که روزی دیواری سیاه بود، دری گشوده شد. بالاخره زمان آن فرا رسید که پا آن سوی دیوار بگذارم. دیگر لازم نبود در آخرین لحظه، از آزادی روی برگردانم. می‌توانستم از آن مرز بگذرم



و با جرئت پا به جهان آزاد و بزرگ بگذارم. سی سال پیش، در چنین روزهایی، شخصاً دریافتم که هیچ چیز مثل سابق باقی نمی‌ماند.

دانش‌آموختگان عزیز، این تجربه اولین نکته‌ای بود که امروز با شما در میان گذاشتم: آنچه استوار و ثابت به نظر می‌رسد، حقیقتاً می‌تواند تغییر کند. (تشویق)

و البته در مسائل بزرگ و کوچک، هر تغییری در ذهن آغاز می‌شود. نسل پدران و مادران ما این درس را به دردناک‌ترین شیوه آموختند. پدر و مادر من متولد ۱۹۲۶ و ۱۹۲۸ هستند. وقتی آن‌ها به سن شما بودند، خیانت بزرگ به ارزش‌های تمدنی که همان هولوکاست و جنگ جهانی دوم باشد، تازه تمام شده بود. کشور من، آلمان، فاجعه‌ای غیرقابل تصور برای اروپا و جهان به بار آورده بود. فاتحان و شکست‌خوردگان حق داشتند سال‌ها در حالت قهر و کینه باقی بمانند. اما اروپا قرن‌ها تخاصم را پشت سر گذاشت. پیامدش، نظامی صلح‌آمیز بر اساس ارزش‌های مشترک به جای تحمیل قدرت ملی بود.

با وجود همه چالش‌ها و شکست‌های موقت، عمیقاً معتقدم که اروپایی‌ها با اتحادشان گامی به سوی تعالی برداشته‌اند. (تشویق)

و رابطه آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که دشمنان سابق می‌توانند به دوست تبدیل شوند. (تشویق)
جورج مارشال با طرحی که در سخنرانی‌اش در همین دانشگاه در سال ۱۹۴۷ ارائه داد، نقش مهمی در این دوستی داشت. (تشویق)

این همکاری فراتلانتیک بر اساس ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر، برایمان بیش از ۷۰ سال صلح و پیشرفت به ارمغان آورده است. (تشویق)

و حالا، دور نیست آن زمان که سیاستمداران نسل من دیگر موضوع بحث‌های «رهبری کنونی» نباشند بلکه حداکثر تحت‌عنوان «رهبری در تاریخ» بررسی شوند.
دانش‌آموختگان عزیز سال ۲۰۱۹ هاروارد:

نسل شما در دهه‌های آینده با چالش‌های قرن بیست‌ویکم روبرو خواهد شد. شما کسانی هستید که ما را به سمت آینده رهبری می‌کنید. سیاست‌های حمایتی و درگیری‌های تجاری، بازار آزاد جهان و بنابراین بنیادهای پیشرفت ما را به خطر می‌اندازد. (تشویق)

انقلاب دیجیتال همه حوزه‌های زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنگ و تروریسم به بی‌خانمانی و مهاجرت اجباری می‌انجامد. تغییر اقلیم، منابع طبیعی سیاره ما را تهدید می‌کند. (تشویق)

این بحران و پیامدهایش را انسان‌ها به وجود می‌آورند. پس باید هر آنچه به‌عنوان انسان در توان داریم، انجام دهیم تا این چالش در برابر انسانیت را تحت کنترل درآوریم. (تشویق)

هنوز می‌توان کاری کرد. اما هر کسی باید نقشش را انجام دهد و... در واقع این را به خود می‌گویم... باید هر روز بهتر از دیروز باشیم. بنابراین من همه تلاشم را می‌کنم تا کشورم آلمان به هدف کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ برسد. (تشویق)



تغییر به سمت جهانی بهتر امکان‌پذیر است اگر در کنار هم باشیم. اگر تنها باشیم، موفق نخواهیم شد. اینجا به نکته دوم برای شما می‌رسیم:

بیش از پیش باید به فکر کار باشیم، کار چندجانبه به جای کار یک‌جانبه، (تشویق)

کار جهانی به جای کار ملی (تشویق)

کار جهان‌وطنی به جای کار انزواگرایانه. (تشویق)

خلاصه اینکه باید با هم کار کنیم نه تنها. (تشویق)

شما فارغ‌التحصیلان عزیز، در آینده فرصت‌هایی کاملاً متفاوت نسبت به نسل من خواهید داشت. هر چه نباشد، همین گوشی هوشمند شما قدرت پردازش بسیار بیشتری نسبت به کامپیوتر آی.بی.ام. مونتاژ شوروی دارد که من برای پایان‌نامه‌ام در سال ۱۹۸۶ در آلمان شرقی از آن استفاده می‌کردم. (خنده)

امروز از هوش مصنوعی برای اسکن میلیون‌ها تصویر به دنبال نشانه بیماری‌ها استفاده می‌کنیم. از جمله مثلاً در تشخیص بهتر سرطان. در آینده، ربات‌های دارای احساس می‌توانند به پزشکان و پرستاران کمک کنند تا بر نیازهای فردی بیماران خاص متمرکز شوند. الان نمی‌توانیم بگوییم هوش مصنوعی چه کاربردهایی خواهد داشت، اما فرصت‌های پیش‌آمده واقعاً حیرت‌انگیز هستند.

فارغ‌التحصیلان ۲۰۱۹، واقعاً بهره‌بردن از این فرصت‌ها در دست شماست. شما باید که تعیین می‌کنید نحوه پیشرفت شیوه کار کردن، برقراری ارتباط، حرکت و به طور کلی زیستن ما چگونه خواهد بود. من به‌عنوان صدراعظم، اغلب باید از خودم بپرسم: آیا کارم درست است؟ آیا دارم این کار را انجام می‌دهم چون بهترین کار است؟ یا فقط چون امکان‌پذیر است؟ شما باید این سؤال را بارها و بارها از خودتان بپرسید، و این نکته سوم من برای شماست:

آیا ما قواعد تکنولوژی را مشخص می‌کنیم؟ یا تکنولوژی نحوه تعامل ما را مشخص می‌کند؟ (تشویق)

آیا ما انسان‌های دارای کرامت را با ویژگی‌های مختلفشان می‌بینیم؟

یا در آن‌ها فقط مشتریان، منابع داده، و موجوداتی برای نظارت را می‌بینیم؟

این‌ها سؤالات دشواری هستند.

من آموخته‌ام که می‌توانیم پاسخ سؤالات دشوار را بیابیم، اگر همیشه جهان را از نگاه دیگران ببینیم؛ (تشویق)

اگر به تاریخ، سنت‌ها، دین و هویت دیگران احترام بگذاریم، (تشویق)

اگر بر ارزش‌های ریشه‌دار خودمان پافشاری کنیم و طبق آن‌ها عمل کنیم، و اگر حتی وقتی تحت فشاریم تا بلافاصله تصمیم بگیریم، فوراً از هیجان‌های اولیه‌مان پیروی نکنیم (تشویق) و لحظه‌ای درنگ کنیم، آرام باشیم، فکر کنیم و دست از کار بکشیم. (تشویق)

البته این کارها شجاعت می‌خواهد. مهم‌تر از آن اینکه مستلزم صادق بودن با دیگران است. و حیاتی‌ترین نکته اینکه با خودمان هم باید صادق باشیم. (تشویق)

از کجا شروع کنیم بهتر از همین‌جا که این همه جوان از سراسر جهان آمده‌اند تا با شعار حقیقت، درس بخوانند، پژوهش کنند و مسائل زمان ما را بکاوند؟ این بدان معناست که ما نباید دروغ را حقیقت و حقیقت را دروغ بپنداریم.

(تشویق شدید)



از طرف دیگر، کمبودها را به عنوان ویژگی طبیعی خود نمی‌پذیریم.

اما فارغ‌التحصیلان عزیز، چه چیز می‌تواند جلوی شما را بگیرد - چه عاملی ما را از این وضعیت باز می‌دارد؟ باز هم دیوارهایی هست، دیوارهای ذهن، دیوارهای جهل و کوتاه‌فکری. دیوارهایی بین اعضای خانواده، و نیز بین گروه‌های اجتماعی، بین نژادها، اقوام و مذاهب مختلف. امیدوارم این دیوارها را بشکنیم (تشویق)

دیوارهایی که مدام ما را از تعامل راجع به جهانی که با هم در آن زندگی می‌کنیم، بازمی‌دارند. اینکه آیا موفق می‌شویم یا نه به خودمان بستگی دارد. پس فارغ‌التحصیلان عزیز، نکته چهارم من این است:

هیچ چیز را ساده نگیرید.

آزادی فردی ما بدیهی نیست، دموکراسی بدیهی نیست، صلح و پیشرفت هم همین‌طور. اما اگر دیوارهایی که ما را احاطه کرده‌اند، فروبریزیم،

اگر در را باز کنیم و آغازهای جدید را با جسارت بپذیریم، آنگاه همه چیز ممکن می‌شود. (تشویق)

دیوارها فرومی‌ریزند، دیکتاتوری‌ها ناپدید می‌شوند. می‌توانیم جلوی گرم شدن زمین را بگیریم. می‌توانیم بر گرسنگی چیره شویم. می‌توانیم بیماری‌ها را ریشه کن کنیم. می‌توانیم دسترسی به آموزش را برای همه خصوصاً دختران فراهم کنیم. (تشویق)

می‌توانیم از بی‌خانمانی و مهاجرت اجباری پیشگیری کنیم. همه این کارها را می‌توانیم انجام دهیم. (تشویق)

«پس بیایید نپرسیم چه کاری غیرممکن است و همیشه غیرممکن بوده است. بیایید اول بپرسیم چه کاری امکان‌پذیر است و ببینیم چه کاری هرگز قبلاً انجام نشده است.»

این دقیقاً کلماتی است که من در اولیه بیانیه سیاستی‌ام به عنوان صدراعظم جدید جمهوری فدرال آلمان و اولین زن در این مقام در سال ۲۰۰۵ در برابر پارلمان گفتم. با این کلمات، نکته پنجم را با شما در میان می‌گذارم:

بیایید خودمان را با آنچه ممکن است، شگفت‌زده کنیم. بیایید با آنچه می‌توانیم انجام دهیم، خودمان را شگفت‌زده کنیم.

در زندگی خودم، این سقوط دیوار برلین بود که اجازه داد حدود ۳۰ سال قبل وارد دنیای آزاد شوم. در آن زمان کارم به عنوان دانشمند را رها کردم و وارد سیاست شدم. دوره هیجان‌انگیز و عجیبی بود، همچنان که زندگی شما هیجان‌انگیز و پر از شگفتی خواهد بود. البته من لحظات تردید و نگرانی را هم گذرانده‌ام. زیرا در آن زمان، آنچه می‌دانستیم گذشته ما بود، نه آنچه پیش روی ماست. با وجود تمام شادمانی این مراسم، احتمالاً شما هم تا حدی چنین احساسی دارید. لذا نکته ششم من چنین است:

اینجا که ایستاده‌اید، لحظه خطر نیز هست. رها کردن گذشته، بخشی از آغاز جدید است. هیچ آغازی بدون پایان وجود ندارد، چنانکه روز بدون شب، یا زندگی بدون مرگ. همه زندگی ما از این تفاوت ساخته شده است، فضای میان آغاز و پایان. آنچه بین این دو است را زندگی و تجربه می‌نامیم. باور دارم که همیشه باید آماده پایان یافتن امور باشیم تا جادوی آغاز را حس کنیم و از فرصت‌ها بهترین استفاده را ببریم. این نتیجه تجربه من در تحصیل، در علم و همچنین سیاست است. چه کسی می‌داند بعد از سیاستمداری، چه آینده‌ای در انتظار من است؟ موقعیت‌های مختلفی می‌تواند پیش رو باشد. فقط یک چیز مشخص است: آینده چیزی متفاوت و جدید خواهد بود.



این آرمان‌ها را با شما در میان می‌گذارم:

- ۱- دیوارهای جهل و کوتاه‌فکری را فروبریزید زیرا هیچ‌چیز آن‌گونه که هست نخواهد ماند. (تشویق)
 - ۲- سعی کنید به نفع جهان یکپارچه چندفرهنگی عمل کنید.
 - ۳- از خودتان مدام بپرسید: آیا کاری که می‌کنم درست است یا فقط ممکن است؟
 - ۴- فراموش نکنید که آزادی را هرگز نمی‌توان بدیهی و پیش‌پافتاده انگاشت.
 - ۵- خودتان را با آنچه می‌توان کرد شگفت‌زده کنید.
 - ۶- به یاد داشته باشید که نو شدن همیشه خطر دارد. کنار گذاشتن گذشته، بخشی از آغاز جدید است. و مهم‌تر از همه اینکه هیچ‌چیز بدیهی نیست؛ هر چیزی ممکن است.
- متشکرم!